

## اخبار



مهمترین شرط شورای عالی بورس برای بازگشایی بازار سهام افشای حداقلی اطلاعات اعلام شد.

قادر معصومی خانقاه مدیر نظارت بر بورس‌های سازمان بورس و اوراق بهادار با اشاره به شروط شورای عالی بورس برای بازگشایی بازار سهام گفت: در مجموع هشت شرط از سوی شورای عالی بورس مطرح شده که از این میان، سه شرط اصلی مستقیماً به موضوع افشا بازمی‌گردد.

تسним نوشت: وی خروج از فرآیند ابهام را لازمه شفافیت دانست و گفت: طبق تصمیم شورای عالی بورس باید حداقل نصف شرکت‌ها (ناشران پذیرفته‌شده در بازار سرمایه) افشای اطلاعات داشته باشند.

مدیر نظارت بر بورس‌های سازمان بورس و اوراق بهادار ادامه داد: بر همین مبنا، افشا باید به تقارن اطلاعاتی منجر شده و این تقارن اطلاعاتی در نهایت زمینه‌ساز معاملات منصفانه در بازار باشد.

وزیر کار:

## از هفته آینده لیبیات تا ۸ درصد زیر قیمت بازار در کالا بر ک ارائه می‌شود



وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: قرار است شرکت‌های لیبی محصولات خود را با ۸ درصد تخفیف نسبت به نرخ مصوب، در قالب طرح کالا بزرگ الکترونیکی عرضه کنند.

به گزارش برنا، احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به اجرای مرحله بعدی طرح کالا بزرگ الکترونیکی اظهار کرد:

روند اجرای این مرحله در حال انجام است و در همین راستا از شرکت‌های تولیدکننده خواسته‌ایم پیشنهادهای خود را برای عرضه کالا با قیمت مناسب‌تر ارائه کنند تا بر اساس میزان تخفیف و قیمت عرضه درباره قرار گرفتن کالاها در سبد کالا بزرگ تصمیم‌گیری شود.

وی افزود: برخی شرکت‌های لیبی اعلام آمادگی کرده‌اند محصولات خود را تا ۸ درصد پایین‌تر از نرخ مصوب سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و ستاد تنظیم بازار عرضه کنند. این شرکت‌ها به دلیل برخورداری از هزینه‌های کمتر و همچنین دسترسی مناسب‌تر به شبکه توزیع امکان عرضه ارزان‌تر کالا را دارند.

میدری با اشاره به رویکرد دولت برای تأمین کالا‌های اساسی با قیمت مناسب‌تر تصریح کرد: سیاست ما حرکت به سمت استفاده از کالا‌هایی است که با قیمت پایین‌تر و کیفیت مناسب‌تر در اختیار مردم قرار می‌گیرد تا فشار هزینه‌های معیشتی کاهش یابد.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی ادامه داد: در روزهای آینده از تولیدکنندگان روغن و تخم‌مرغ نیز دعوت به همکاری خواهد شد تا آن دسته از واحدهایی که امکان عرضه محصولات با قیمت کمتر را دارند، وارد طرح شوند و بتوانیم کالا‌های اساسی را با نرخ مناسب‌تری به دست مصرف‌کنندگان برسانیم.

وی خاطرنشان کرد: عرضه محصولات لیبی در قالب این طرح از هفته آینده آغاز می‌شود و در ابتدای هفته آینده نیز فرآیند دعوت از تولیدکنندگان روغن و تخم‌مرغ برای مشارکت در طرح کالا بزرگ اجرایی خواهد شد.

اقتصاد کلان ایران با درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام و در دهه‌های اخیر، با درآمدهای محصولات پتروشیمی گره خورده است. نتیجه این وضعیت، ساختاری راننی و به شدت آسیب‌پذیر است که در مواجهه با تکانه‌های برون‌زا به سرعت دچار عدم تعادل‌های بنیادین می‌شود. به گزارش اقتصادنیوز، این وابستگی ساختاری، که نمود بارز آن در رکود تورمی و سرکوب تولیدات صنعتی غیرنفتی در دوران وفور درآمدهای ارزی قابل مشاهده است، اکنون در وضعیت جدیدی قرار دارد که کاهش یا اختلال در صادرات این دو محور اصلی، نه تنها یک بحران تراز پرداخت‌ها، بلکه یک بحران تمام‌عیار در تأمین مالی دولت و ثبات اقتصاد کلان ایجاد می‌کند.

**اگر درآمد صادرات نفت و محصولات پتروشیمی قطع شود…**

در شرایطی که اقتصاد ایران با نرخ تورم مزمن و چسبنده در محدوده ۴۰ تا ۵۰ درصد، رشد نقدینگی سالانه فراتر از ۳۰ درصد و کسری بودجه ساختاری پنهان و آشکار که برآوردهای غیررسمی آن را در محدوده چند صد هزار میلیارد تومان (معادل درصدهای قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی) تخمین می‌زنند، دست و پنجه نرم می‌کند، فقدان درآمدهای نفتی و پتروشیمی به معنای قطع شریان اصلی تزریق ارز و تأمین مالی غیرتورمی (یا کمتر تورمی) دولت است.

در چنین مختصاتی، راه‌ل‌های کوتاه‌مدت، مسکن‌های پولی و سیاست‌های انبساطی نه تنها کارکردی نخواهند داشت، بلکه به دلیل قرار گرفتن اقتصاد در فاز رکود تورمی و پدیده سلطه مالی، هرگونه تلاش برای تحریک تقاضا از طریق انبساط پولی، مستقیماً به جهش نرخ ارز و ابرتورم منجر خواهد شد.

بنابراین، ایجاد رشد اقتصادی در این بستر ملتهب، نیازمند اصلاحات اقتصادی، تغییر نقش دولت به یک دولت تنظیم‌گر و اتکا به موتورهای رشد درون‌زا و بهره‌وری‌محور است.

**مسئله کسری بودجه**

در ساختار مایه عمومی ایران، درآمدهای نفتی همواره نقش پوشش‌دهنده ناکارآمدی‌های بوروکراتیک و هزینه‌های جاری منورم دولت را ایفا کرده‌اند. با فرض حذف این درآمدها، دولت با یک شکاف عظیم عملیاتی مواجه می‌شود که در کوتاه‌مدت ناچار است آن را از طریق استقراض مستقیم یا غیرمستقیم از بانک مرکزی (پولی کردن کسری بودجه)، انتشار اوراق بدهی، یا فروش دارایی‌های سرمایه‌ای جبران کند. استقراض از بانک مرکزی، که به معنای افزایش پایه پولی (دو برابر) ایران با ضربرب فزاینده‌ای از مزاد ۷ تا ۸) است، مستقیماً به رشد نقدینگی حاد بر رشد واقعی تولید منجر شده و موتور اصلی تورم فعلی است.

از سوی دیگر، انتشار اوراق بدهی در شرایطی که نرخ تورم بسیار بالاتر از نرخ سود اسمی اوراق است، جذابیت چندانی برای خریداران حقیقی و حقوقی غیردولتی ندارد و در نهایت بار خرید این اوراق به ترازنامه بودجه و بخش خصوصی منتقل می‌شود که همان اثر پولی شدن را به دنبال دارد. علاوه بر این، در این حالت دولت برای تأمین مالی خود، منابع محدود اعتباری موجود در درون بازار را جذب کرده و بخش خصوصی واقعی را در تنگنای شدید اعتباری قرار می‌دهد. در نتیجه، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی که موتور اصلی رشد اقتصادی در غیاب سرمایه‌گذاری دولتی است، به شدت کاهش می‌یابد.

بنابراین، پیش‌نیاز هرگونه رشد اقتصادی در این شرایط، تثبیت اقتصاد کلان از طریق یک انضباط مالی جدی است. این انضباط لزوماً به معنای ریاضت نیست، سیاست‌گذار باید توجه داشته باشد که در شرایط رکودی، افزایش پایه‌های مالیاتی یا افزایش مالیات بر درآمد شرکت‌ها می‌تواند به تعمیق رکود بینجامد.

مدل‌هایی که اقتصاد را تنها از منظر کل‌های تجمعی و با فرض عقلانیت کامل نماینده‌های اقتصادی تحلیل می‌کردند، به دلیل بی‌توجهی به انباشت ریسک‌های خرد، ساختارهای اداش‌دهی معیوب در درون نهاد‌های مالی، و چندجانبه با تخصیص سرمایه ناشی از سیاست‌های پولی انبساطی، به طور کامل از پیش‌بینی و حتی درک بحران‌هایی مثل رکود بزرگ در سال ۱۹۲۹ و بحران مالی ۲۰۰۸ بازماندند.

آن‌ها تصور می‌کردند تا زمانی که شاخص قیمت مصرف‌کننده (تورم کلان) پایین است و تولید ناخالص داخلی رشد می‌کند، اقتصاد در وضعیت ثبات و سلامت قرار دارد. آن‌ها حباب‌های دارایی و سرمایه‌گذاری‌های نادرستی که در عمق ساختار

فرصت‌های اقتصاد ایران در صورت قطع صادرات نفت و محصولات پتروشیمی

# گذر از اقتصاد جنگی به اصلاحات اقتصادی

اقتصاد ایران پیش از جنگ دچار هم‌آیندی بحران‌های مختلفی بود، بر این بحران‌ها جنگ آوار شد و اصلاحات اقتصادی را ممتنع کرد، اصلاحاتی که بتواند با رکود تورمی مقابله کند و زمینه رشد اقتصادی را فراهم کند. آیا پس از جنگ، اصلاحات اقتصادی ممکن می‌شود؟



**اصلاح پاره‌نانهی پنهان**

محور بعدی و شاید پیچیده‌ترین بخش از استراتژی رشد در مختصات پسا‌جنگ، اصلاحات در بخش انرژی و پاره‌نانه‌های پنهان است. اقتصاد ایران با یکی از بالاترین شاخص‌های شدت انرژی در جهان روبروست. برآوردهای آژانس بین‌المللی انرژی و نهادهای داخلی نشان می‌دهد که حجم پاره‌نانه‌های پنهان انرژی (تفاوت قیمت فروش داخلی حامل‌های انرژی با قیمت‌های فوب خلیج فارس یا هزینه‌های فرصت صادراتی) سه سالانه به ده‌ها میلیارد دلار می‌رسد. این پاره‌نانه عظیم، نه تنها منجر به مصرف بی‌رویه، قاچاق گسترده سوخت به کشورهای همسایه و آلودگی شدید محیط زیست شده است، بلکه صنایع کشور را به جای حرکت به سمت ارتقای فناوری و بهره‌وری، به شدت انرژی‌بر و متکی به رانت سوخت ارزان بار آورده است. در سناریوی توسعه ملی تجمع‌شود و مستقیماً دیگر توان تحمل این بار مالی پنهان را ندارد. عدم نفع ناشی از مصرف داخلی حامل‌های انرژی که می‌توانست صادر شود یا در صنایع با ارزش افزوده بالا مورد استفاده قرار گیرد، یکی از موانع اصلی رشد است. با این حال، آزادسازی قیمت انرژی در شرایطی که تورم کالاها سه رقمی شده است و قدرت خرید خانوارها به شدت آسیب دیده، از نظر سیاسی بسیار پرخطر است و نیازمند یک طراحی نهادی دقیق است.

بر سر راهکارها میان کارشناسان اختلاف نظرهای بی شماری وجود دارد اما همگان بر لزوم اصلاحات انتفاع نظر دارند. نکته‌ای که می‌توان اینجا بر آن تأکید کرد این است که منابع حاصل از واقعی‌سازی قیمت‌ها برای دولت، به هیچ وجه نباید صرف هزینه‌های جاری شود، بلکه باید در صندوق توسعه ملی تجمع‌شود و مستقیماً به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی‌های تجدیدپذیر، توسعه ناوگان حمل و نقل عمومی و بازسازی زیرساخت‌های آسپتیک دیده در جنگ تخصیص یابد. این چرخش سیاستی، اقتصاد ایران را در بلندمدت از یک اقتصاد متکی به استخراج و فروش منابع فیزیکی، به یک اقتصاد مبتنی بر کارایی و تخصیص بهینه منابع تبدیل خواهد کرد. همواره جنگ و وضعیت استثنایی دلپلی موجه برای افزایش مداخلات دولت در اقتصاد معرفی شده است، به ویژه اگر دولت‌ها نتوانند به افکار عمومی بقبولانند که این مداخلات به سود عموم مردم یا دست کم طریقت پایین جامعه است. اما این مداخلات چه تبعاتی برای اقتصاد کشورها داشته است؟ تجربه‌های تاریخی به ما چه می‌گوید؟

**اصلاح نظام بانکی**

در کنار این اصلاحات کلان اقتصاد، توجه به نقش نظام بانکی در تأمین مالی رشد اقتصادی غیرتورمی حیاتی است. شبکه بانکی ایران در حال حاضر با معضلات ساختاری عمیقی از جمله انجماد دارایی‌ها، تسهیلات غیرجاری بالا، بنگاه‌داری بانک‌ها و ناترازی‌های شدید در ترازنامه مواجه است. بانک‌هایی که خود دچار ناترازی هستند، برای بقا مجبور به خلق پول درون‌زا می‌شوند، این امر موجب مرکزی با نرخ‌های استقراضی مستمر از بانک مرکزی یا نرخ‌های جریمه بالا می‌باشند که این امر به رشد پایه پولی

## بازار و سرمایه

## خبر

## علت تورم کالاهای اساسی تعیین قیمت محصولات داخلی بر اساس نرخ دلار است



افزایش چشمگیر ۵۳.۷ درصدی شاخص قیمت مصرف‌کننده در ۱۲ ماه منتهی به فروردین ۱۴۰۵، نشان‌دهنده تورم پایدار و فشار فزاینده بر سبد معیشت خانوارهاست. علت تورم کالاهای اساسی چیست؟

به گزارش تجارت نیوز، آمارهای اخیر شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) در فروردین ماه ۱۴۰۵ که به عدد ۵۶۹.۳ رسیده، تصویری روشن از واقعیت‌های اقتصادی پیش روی خانوارها ارائه می‌دهد. افزایش ۵.۰ درصدی نسبت به ماه قبل، جهش قابل توجه ۷۳.۵ درصدی نسبت به سال گذشته و افزایش انباشته ۵۳.۷ درصدی در طول ۱۲ ماه گذشته، روند مداوم تورم را برجسته می‌کند. این افزایش مستمر در هزینه ضروریات زندگی، نگرانی است که هر خانوار را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ضرورت کاوشی عمیق در سازوکارهای اقتصادی زیربنایی را ایجاب می‌کند.

**اصلی افزایش قیمت‌ها، اتصال قیمت‌گذاری کالاها به نرخ دلار و تعیین قیمت دلار محصولات توسط فروشندهگان بر اساس نرخ ارز است**

محمدامین حاجی لنگری، کارشناس اقتصادی، با اشاره به دلایل تورم و رشد قیمت کالاهای اساسی، به تجارت‌نیوز گفت: علت اصلی افزایش قیمت‌ها، اتصال قیمت‌گذاری کالاها به نرخ دلار و تعیین قیمت دلار محصولات توسط فروشندهگان بر اساس نرخ ارز است.

**حتی در صنایعی مانند سنگ آهن که وابستگی خارجی ندارند، قانون هدفمندی پاره‌نانه باعث قیمت‌گذاری دلاری شده است**

او با تأکید بر وابستگی واردات به نرخ دلار و ارز تک‌نرخ، بیان کرد: حتی در صنایعی که وابستگی خارجی ندارند، مانند سنگ آهن، قانون هدفمندی پاره‌نانه باعث قیمت‌گذاری دلاری شده است. دولت به شرکت‌های پتروشیمی و نفتی مواد اولیه را با نرخ دلار می‌دهد و محصولاتشان را با قیمت‌های بین‌المللی خریداری می‌کند که این امر تأثیرگذاری نرخ دلار بر قیمت‌های داخلی را تشدید کرده است.

**روند دلارزدایی برای کنترل قیمت محصولات اعمال شود**

حاجی لنگری با اشاره به اینکه واردکنندگان مجبورند از بازار ارز تهیه کنند، افزود: این موضوع باعث شده تا اقلام وارداتی نیز بر اساس نرخ دلار قیمت‌گذاری شوند. علاوه بر این، قیمت اقلام تولید داخلی که به عنوان مواد اولیه محسوب می‌شوند نیز با دلار تعیین می‌گردد. این امر باعث تورم شدیدی در اقتصاد شده است به طوری که از این منبای قیمت‌گذاری خود قرار داده‌اند. ضروری عموم خردفروشان و تولیدکنندگانی که در حالت عادی نباید به نرخ دلار توجه کنند، اکنون نرخ دلار را مبنای قیمت‌گذاری خود قرار داده‌اند. دولت است که روند دلارزدایی در اقتصاد پیگیری شود.

او با بیان اینکه، یکسری منتقدان وجود دارند که هیچ محدودیتی در پرداخت دلار ندارند و از خلق پول بانکی بهره‌مند شده‌اند، بنابراین حاضرند محصول را با هر قیمتی که نرخ دلار تعیین می‌کند، بفروشند، تصریح کرد: در حال حاضر کمبود دلار و افزایش تقاضا برای خرید آن مشهود است. بخشی از این تقاضا برای کالاهای لوکس و بخشی دیگر مربوط به خروج سرمایه از کشور است که این موارد باعث ایجاد تقاضای مازاد دلار برای کشور می‌شود. کارشناس اقتصادی در ادامه اظهار کرد: در شرایطی که با مشکل صادرات نفت و انتقال ارز مواجه هستیم، این کمبود ارز بیشتر خود را نشان می‌دهد و به همین دلیل کشور دچار تورم شده است.

**نمیاد با همان سیاست ارزی قبل جنگ در زمان جنگ هم رفتار کرد**

حاجی لنگری با تأکید بر لزوم ربروزرسانی سیستم تجارت کشور، عنوان کرد: دولت باید سیستم تجارت خود را با توجه به شرایط اضطراری سیاسی کنونی کشور ربروزرسانی کند. به عنوان مثال، در حالی که قبلاً سیاست تک‌نرخي ارز اتخاذ شد، اکنون در شرایط سایه جنگ، این سیاست باید با توجه به شرایط حال حاضر تغییر یابد.

وی در پایان خاطرنشان کرد: همچنین دولت ۲۵۰۰ قلم کالای مورد نیاز کشور را اعلام کرده و تخصیص ارز برای واردات آنها را فراهم کرده است، اما باید سنجیده شود که کالاهایی که قابلیت تولید در داخل را دارند، وارد شوند و از ورود بسیاری از اقلام غیرضروری نیز جلوگیری به عمل آید.



می‌شود یا تنها برای مردم ضمانت اجرا دارد و بانک‌ها از آن مستثنا هستند؟ اکنون افکار عمومی منتظر پاسخ روشن و اقدام عملی است؛ نه وعده‌های مبهم، نه اطلاعیه‌های تکراری و نه گزارش‌هایی که در میدان عمل اثری از آنها دیده نمی‌شود.

پول رفته باز می‌گردد؟

## برداشت غیرقانونی بانک‌ها از حساب مردم

بانک‌ها، عملاً جریمه دیرکرد را از حساب مشتریان برداشت کرده‌اند و تاکنون هم بازپرداختی در کار نبوده است.

**پولی که به زور از مردم گرفته شد**

حتی اگر بپذیریم که قرار است این مبالغ بعداً به حساب مردم بازگردد، اصل مسئله پاررجاست: چه کسی به بانک‌ها اجازه داده است ابتدا برخلاف مصوبه رسمی، از حساب مردم برداشت کنند و بعد، هر زمان که خواستند، آن را برگردانند؟ آیا اگر یک مشتری، به همین شیوه، مبلغی را بدون مجوز از منابع بانک بردارد و چند هفته بعد بازگرداند، بانک‌ها چنین رفتاری را تحمل می‌کنند؟ روشن است که پاسخ منفی است. پس چرا این بی‌انضباطی مالی وقتی از سوی بانک‌ها رخ می‌دهد، با چنین تساهلی مواجه می‌شود؟ این ماجرا تنها یک خطای اجرایی ساده نیست؛ بلکه نمونه‌ای آشکار از ضعف نظارت، بی‌مسئولیتی بانکی و تضییع حقوق مردم است. کمترین انتظار آن است که بانک مرکزی به‌جای انتشار اطلاعیه‌های کلی، به‌صورت شفاف اعلام کند:

کدام بانک‌ها دقیقاً ترکب تخلف شده‌اند؛

چه میزان جریمه دیرکرد به‌صورت غیرقانونی از مردم دریافت شده است؛

این مبالغ در چه تاریخی و به چه شکلی بازگردانده خواهد شد؛

و مهم‌تر از همه، چه برخوردی با بانک‌های متخلف انجام شده است.

مردم حق دارند بدانند در نظام بانکی کشور، قانون برای همه یکسان اجرا